



طلاق را داشته باشد. وکلا معمولاً این راهکار را پیشنهاد نمی‌دهند چون روابط زوج موجب گرفتن تصمیمات احساسی و سریعی است و بسیار مواردی بوده که زن یا مرد به دفتر وکلا مراجعه کرده و تصمیم خودش را صد در صد برای طلاق اعلام کرده اما با نیم ساعت حرف زدن منطقی و به دور از عصبانیت از تصمیمش برگشته!

حال تصور کنیم فردی وکالت در طلاق داشته باشد، آن وقت به محض کوچکترین اختلافی نامبرده به دادگاه مراجعه می‌کند و نتیجه این امر سست شدن پایه‌های خانواده و از هم گسیختن فوری یک زندگی می‌شود. بهتر است حق طلاق برای هر دو نفر در قانون در نظر گرفته شود تا هر کدام از زوجین بتوانند با اثبات وجود مشکل لاینحل یک طرفه جدا شوند. نه اینکه مثل قانون کنونی مرد مطلقاً حق طلاق داشته باشد و زن علی‌رغم وجود دلیل موجه نتواند جدا شود و به قول معروف باید بسوزد و بسازد! اما در خصوص بعد مالی مهریه هم باید در قانون تجدید نظر شود.

به گونه‌ای که بر اساس سنوات زندگی زوجین و دارایی‌شان در بدو ازدواج و سپس اموال و حاصل زندگی‌شان در دوران مشترک مبالغی تعیین و بین آن‌ها رد و بدل شود. این موضوع چند نکته مثبت دارد. اول صداقت زوجین نسبت به هم.

دوم اینکه هیچ فردی نمی‌تواند به ازدواج به عنوان کاسبی و کسب درآمد نگاه کند. سوم اینکه ازدواج برای جوانان آسان‌تر می‌شود. چهارم اینکه زوجین باور می‌کنند که اگر با تلاش هم چیزی به دست بیاورند بین هر دو نفر مشترک است.

در حال حاضر تا بی نهایت سکه برای تعیین مهریه مورد قبول قانون است. چون توافق زوجین بر قانون در این موضوع ارجحیت دارد. اما قانون گفته تا ۱۱۰ سکه فقط می‌تواند زوج را بازداشت کرد اما مازاد بر ۱۱۰ سکه حتی در صورت عدم پرداخت قابلیت جلب و بازداشت ندارد. اما اگر مالی از زوج پیدا شود که مازاد بر ۱۱۰ سکه ارزش داشته باشد، تا سقف توافق زوجین نسبت به مهریه قابل توقیف و فروش است.

اخیراً بحث شیوع کرونا درباره زندانیان مهریه موثر بوده و تا جایی که به زندانیان مرخصی داده شده است. میزان اقساط هم از هر فرد تا فرد دیگر متفاوت بسته به وضعیت مالی آن شخص است. مطالبه مهریه در یکی دو سال اخیر بیشتر شده و بعضاً خانم‌هایی هستند که قصد طلاق ندارند اما به لحاظ مالی قصد وصول مهریه را دارند. اما تعداد زیادی هم به مهریه به عنوان یک اهرم فشار جهت گرفتن رضایت زوج برای انجام طلاق توافقی نگاه می‌کنند.

در اکثر پرونده‌ها سکه، وجه نقد، گل و ملک بوده اما مهری‌هایی مبنی بر سفرهای سیاحتی یا بعضاً انجام کار خیر هم وجود داشته است. فقط پرداخت یک مهریه در سیرجان جالب بود که هزار و خرده‌ای شاخه گل بود که زوج با وانت شاخه‌های گل را در دادگاه تحویل زوجه داد! نمونه‌اش هم در کرمان اتفاق افتاد که رسانه‌ای شد.

مهریه یک زوج مسن هم بود که فقط یک جلد کلام الله مجید بود و لاغیر. بسیاری از پرونده‌های طلاق در نهایت به توافق ختم می‌شود. مواردی هم منتهی به بازداشت شده که ستاد دپه در پرداخت قسمتیش کمک کرده و مابقی هم به اقساط پرداخت شده توسط زوج. اینکه مدت زیادی زندانی باشند خیلی کم و انگشت شمار است. زیرا زندان برداشته نشده. آگه برای مردی مهریه تقسیت بشود اما اقساطش را هم نپردازد. آن وقت با درخواست زوجه بازداشت می‌شود.

در واقع مشکل اساسی، افزایش نرخ تورم و بالا رفتن قیمت سکه و همین‌طور اشتباه مردها در قبول مهریه زیاد و عرف جامعه است اما قانون هم می‌بایست همراه با تغییر شرایط اصلاح شود. عرف جامعه هم باید تغییر کند و زنان یاد بگیرند که از ابتدا متکی به تلاش خودشان باشند. واقعا هیچ دلیلی ندارد که یک زن به مهریه به عنوان پشتوانه زندگی نگاه کند. این بدترین نوع وابستگی است. حقیقتاً بنده معتقدم مهریه حق نیست و باید متناسب با جامعه کنونی جایگزینی برایش در نظر بگیریم تا زنان ما وابسته نباشند و مردان نیز به این وابستگی به عنوان یک نقطه ضعف نگاه نکنند. حقیقت زندگی مشترک تلاش دوفره برای

خوشبختی است و اگر واقعا خوشبختی وجود ندارد باید دوستانه متراکه کرد و مهریه هیچ ضمانتی برای حفظ زندگی نیست.

از این نظر که شرایط و سطح زندگی در نقاط مختلف ایران متفاوت است که این مهم برمی‌گردد به شرایط اقتصادی و فرهنگی و از طرفی نگرش به این موضوع. به عبارتی اگر مقوله مهریه به عنوان انگیزه بخشیدن و حراست از عشق پدید آمده، فی مابین زوجین باشد می‌توان مثبت انگاشت اما اگر به صرف ضمانت و یا پایبندی به آن نگاه کنیم بسیار نامتعرف است چرا که خاستگاه و تئوری ازدواج صرفاً معنوی و بر اساس تعلقات قلبی است.

بنابر این اهرم مهریه برای نگه داشتن طرف مقابل و حفظ آن و یا سودجویی مغایر ذات ازدواج است. از طرفی مهریه در قانون ما ریشه مذهبی دارد. منتها اگر به صورت مدون همچون ملاحظه قانون برخی کشورها از جمله فرانسه که در راستای تعهدات قلبی طرفین، اساسنامه داریی زوجین نیز مشخص می‌شود و طرفین ملزم به مراعات آن هستند، مهریه نیز دارای این لعاب بود نه تنها مفید بلکه مقام طرفین نیز از باب شائیت محفوظ می‌ماند. البته در جامعه کنونی، مهریه برای برخی از زنان دست آویزی است برای اقدامات ایذائی و منفعت و برای بسیاری از بانوان تنها دلیل برای مهار زندگی و یا تسلیم زوجه به طلاق. حتی در دوران‌های بسیار گذشته باب بوده که مرد هدیه‌ای به پدر دختر می‌داده است که با تغییرات فرهنگی و تغییر سبک زندگی با رنگ و لعاب بهتری به شکل امروز بدون شک ببیند با شیوه امروزی یعنی استفاده مهریه به عنوان اهرم فشار جهت مجاب کردن مرد برای جدایی و از طرفی راه‌های گریز بسیار از جمله تقسیت مهریه و یا عدم دستور جلب نفسا مهریه فاقد ضمانت است.

اگر در شروط ضمن عقد نکاح مواردی ملاحظه می‌شد که حق طلاق را برای زنان مساعدتر می‌کرد تا در صورت تخلف طرف مقابل از این مشارکت قلبی و معنوی خروج از این توافق در موازات اساسنامه مالی برای خانم‌ها هم لحاظ می‌شد، بدون تردید به مهریه دید مثبت تری می‌توان داشت.